لسان مدیریت امتثال در «کنت علی یقین»

شاگرد: در همین مثال «کنت علی یقین» شارع از کدام شأنش حرف میزند؟

استاد: من گمانم این است که شارع دارد به او یاد میدهد؛ موالی تو قبال ًیک وظیفه و حکمی برای تو انشاء کرده است، من میخواهم یادت بدهم که چطور از عهده آن امر، در بیایی. مدیریت امتثال است. «کنت علی یقین»؛ یقین بر چه چیزی؟ یقین به یک چیزی که بر آن حکمی بار است. اگر حکم موالی بر این یقین بار نبود با آن کاری ندا شتند. در این فضا است. به تناسب اینکه حکم، حکم مدیریت امتثال است، نه انشاء بدوی یک حکم ثبوتی، بلکه میخواهد آن حکم ثبوتی که قبال ًانشاء شده را بندهاش الآن امتثال کند و در زندگی خودش آن را پیاده کند. طبق آن مشی کند، با ملاحظه تمام نظم و عدم اختلال نظام و تسهیل.

شاگرد: میتواند تربیت هم در همین فضا باشد. در همین فضا میخواهد به سمت شکوک نروند، وسواسی نشوند. یعنی میخواهم بگویم حتما ً لزم نیست به آن، بهصورت قانونی و حقوقی نگاه کرد.

استاد: نه، آن وقت میگویند یقین داری؟!

شاگرد: یقینی داشتی.. .

استاد: یقین به چه چیزی داشتی؟

شاگرد: هر چه .

استاد: نمیشود بگویند هر چیزی. صحبت سر این است که در اینجا وقتی میگوییم یقین داشتی، وقتی با آن متیقن به آن نگاه میکنیم، آن متیقن مربوط به شارع است. یعنی متیقن، میخ سابقهای از شارع را میکوبد. صرف اینکه بگویند یقینی داشتی؛ مثال ً مغازه گوشتفروشی پارسال در بازار بود، الآن هم که میخواهی به آن جا بروی، بگو که هست. هیچ ربطی هم به شرع ندارد، این روایت برای آن جا نیست. ولو ضابطه کلیای باشد که آنها هم مصادیق آن باشند. اما الآن که موالی به او میگوید «کنت علی یقین»، یعنی یقینی که سابقه قبلی آن و متیقن تو در ارتباط با انشاء حکم موالی بود.

بازبینی #1
ایجاد شده 30 مه 2026 12:47:17 توسط ... .
به روزرسانی شده 30 مه 2026 12:47:50 توسط ... .